



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۴۳
۳۰ دی ۱۳۸۳
۱۹ ژانویه ۲۰۰۵

ایسکرا

www.wpiran.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اعتصاب کارگران کارخانه شاهو در سنندج

طاهری بعد از مدتی دوباره ظاهر میشود. او در اولین اقدام کلیه مزایای کارگران کفش و لباس ایمنی محل کار، شبر و کیک که به کارگران داده می شد را قطع میکنند. در ادامه حقوق و سایر مزایای کارگران نیز بی وقفه مورد حمله قرار میگیرد..

چندی پیش بدنبال اعتصاب موفقیت آمیز کارگران نساجی در سنندج که با استقبال عمومی در ایران و در سطح بین المللی روبرو

صفحه ۲

کارخانه نساجی شاهو در اواخر سال ۸۱ به بخش خصوصی واگذار شد. خریداران این کارخانه افرادی با اسامی مصطفی طاهری و رضوانی بودند. این دو نفر در اواخر سال ۸۲ در حالی که نزدیک به چهار ماه بود که دستمزد کارگران را پرداخت نکرده بودند، مفقود شدند. سپس اعلام گردید که رضوانی میلیونها تومان پول را بالا کشیده و دررفته و در واقع کل حقوق کارگران و سایر پولهایی که به شرکت تعلق داشت را بالا کشیده و فرار کرده است.

طرح رفرا ند م اقدامی در مقابل انقلاب مردم



محمد آسنگران

asangaran@aol.com

کنند. مبتکرین و شخصیتهای این صف اساساً دوم خردادیهای ناراضی هستند که فکر میکنند خاتمی به آنها خیانت کرده است. سازگارا، افشاری، دفتر

صفحه ۳

جریانات این صف همان جریاناتی هستند که با آمدن خاتمی همگی پشت سر او بخت شدند. اینها خاتمی را دمکرات و لیبرال جلوه دادند که دفاعیات خود از بخشی از جمهوری اسلامی را توجیه

با نگاهی به صف رفرا ندوم و رفرا ندوم چپها برای يك فعال سیاسی و حتی کسی که کم و بیش جریانات سیاسی ایران را بشناسد، شناخت اهداف این حرکت کار مشکلی نیست. از لحاظ سیاسی

اطلاعیه شماره ۳۰

۶ کارگر اخراجی نساجی کردستان بر مطالبات خود پا فشاری میکنند.

نقشه میکشند که چگونه شکست خود را خنثی کنند .

روزهای اول کارگران را مورد تهدید قرار میدادند که حزب کمونیست کارگری در اعتصاب

صفحه ۴

پیروزی کارگران نساجی کردستان در سنندج يك شکست سیاسی نه فقط برای مدیریت و کارفرما که برای جمهوری اسلامی بود. اکنون به تکاپو افتاده اند و دارند

تعلق میگیرد. این تصمیم با اعتراض کارگران روبرو شد و کارگران اعلام کردند که مطالباتشان را از طرق دیگر پی میگیرند. این هیئت وقتی

صفحه ۲

در این تاریخ هیئت تشخیص کارفرما، استانداری و اداره کار، به کارگران اخراجی اعلام کرد، که به نسبت سنوات کار سالی ۳ ماه حقوق پایه به آنها

بدنبال اعتصاب موفق کارگران نساجی، همچنانکه در اطلاعیه های قبلی گفتیم روز ۲۶ دی ماه قرار بود که "هئیت تشخیص"، شکایت کارگران اخراجی نساجی را بررسی کند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتصاب کارگران کارخانه شاهو

سردبیر
ایسکرا
منصور فرزاد

Tel: 0046 737 706 454
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر
کمیته کردستان
محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون
کانال جدید
تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال
۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش
سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیوی را معرفی کنید

۴۱ متر برابر
با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

شد، کارگران شاهو نیز در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق خود دست به اعتراض زدند.

روز پنجشنبه ۲۴ دی ماه کارگران شاهو خواست خود مبنی بر دریافت حقوقهای معوقه را دوباره طرح میکنند که طبق معمول با بی توجهی کامل کارفرما روبرو میشود. کارگران از ساعت ۱۲ ظهر طاهری کارفرمای کارخانه را به همراه همسرش در اتاق کارشان محبوس کرده و اجازه خارج شدن به آنها را نمیدهند. اقدام کارگران در اعتراض و بدلیل بی توجهی و لاقیدی کارفرما به پرداخت نکردن سه ماه حقوق آنها انجام میگردد. ساعت حدود ۳ بعدازظهر نیروی انتظامی و گارد ویژه وارد کارخانه میشوند و طاهری و همسرش را از اتاق بیرون می آوردند.

روز ۲۵ دی ماه مدیر عامل کارخانه به کارگران اعلام می کند برای این ماه ۵۰ هزار تومان حقوق پرداخت خواهد کرد و اعلام می کند تا نوروز خبری از حقوق و پول نیست. این حرکت با اعتراض کارگران روبرو می شود و هیچ یک از کارگران این مبلغ را قبول نمی کنند و از کارفرما میخواهند که کل حقوق آنها را پرداخت کند. هنگامی که مدیر عامل در مقابل خواست کارگران بی تفاوتی نشان میدهد او را در دفتر کارش نگه میدارند و اعلام می کنند تا مشخص شدن پرداخت حقوقشان ، اجازه بیرون رفتن به او را نخواهند داد. چند ساعت بعد نیروی انتظامی دخالت میکند و مدیر عامل را از کارخانه بیرون میبرند .

مصطفی طاهری مدیر عامل

کارخانه شاهو روز ۲۶ دی ماه ساعت ۶ بعدازظهر وارد کارخانه می شود و اعلام می کند تا آخر ماه یعنی ۳۰ دی کارخانه تعطیل است. او دلیل تعطیلی کارخانه را نبود سوخت و قطعات فلایر اعلام میکند . اجرای طرح کارفرما و دولت ، تعرض بی شرمانه ای به حقوق کارگران خواهد بود و شرایط سختی را به کارگران تحمیل خواهد کرد.

بدنبال اعتصاب موفق کارگران نساجی کردستان در سنجند و اینکه این حرکت با استقبال عمومی در ایران و در دنیا روبرو شد، مقامات حکومتی و مزدوران حکومت اسلامی تقلاً میکنند که به مقابله با کارگران برخاسته و اعتراضات بعدی کارگران را خنثی کنند. بدین جهت جمشیدی از روابط عمومی استانداری، محمدی از اداره کار و طاهری مدیرعامل کارخانه شاهو و تعدادی دیگر از مسئولین رژیم در يك نشست سری و محرمانه ۱۲ ساعته، به برنامه ریزی و طراحی جهت به شکست کشاندن حرکت کارگران شاهو میپردازند . در این جلسه توافق میشود که:

* انسجام کارگران را به هم ریخته و نگذارند کارگران يك دست و متحد ظاهر شوند.

* تعدادی از کارگران قراردادی را اخراج کنند. (کارخانه شاهو حدود ۱۶۲ کارگر دارد، که ۷۵ کارگر قراردادی هستند).

همچنین برای اینکه صدای اعتراض کارگران را خاموش کنند در جلسه مقرر میشود حقوق معوقه کارگران به شکل زیر پرداخت شود:

الف - تا ۲۸ دی ماه حقوق يك

ماه را پرداخت کنند.
ب - حقوق يك ماه دیگر را در بیستم بهمن ماه پرداخت کنند.
ج - تا ۲۸ اسفند تمامی حقوقهای معوقه به اضافه عیدی و پاداش را پرداخت کنند، ولی با تعطیلی کارخانه در روز ۲۸ دی ماه که قرار بودطاهری قرارداد کارگران را تمدید کند، عملاً قراردادها تمدید نمی شود.

د - چند نفر از کارگران که قرارداد کاری آنها تا آخر دی ماه است قرار دادشان تمدید نشود.
سپس مدیر کارخانه صدیق آزادی به تمامی کارگران قراردادی اعلام میکنند که هیچ قراردادی تمدید نمی شود و هر کارگری که در صد اعتراض برآید اخراج خواهد شد.

روز ۲۸ دی ماه حقوق يك ماه کارگران پرداخت میشود. این در حالی بود که کارگران حقوق سه ماه را دریافت نکرده بودند. قرارداد حقوق دو ماه باقیمانده را در دو نوبت تا آخر سال پرداخت کنند. روز ۲۸ دی ماه برای بار دوم مدیریت کارخانه شاهو در سنجند اعلام میکند این کارخانه تا آخر بهمن ماه تعطیل خواهد بود.

مرخصی اجباری بدون حقوق فعلاً تا آخر بهمن ماه ادامه خواهد داشت . این يك سیاست ضد کارگری است. به دنبال اعتصاب موفقیت آمیز کارگران نساجی کردستان مدیریت و رژیم اسلامی برای ایجاد تفرقه در میان کارگران به سیاست تعطیل کارخانه متوصل شده اند. متقابلاً کارگران شاهو ضمن مطالبه پرداخت دستمزدشان خواهان بازگشایی کارخانه و برگشتن به سر

کارشان میباشند.
فعلاً کارخانه تا آخر ماه تعطیل و جو نارضایتی و نگرانی در میان کارگران بالا است.

در بین کارگران شایع است که اداره کار و کارفرما با هم تباہی کرده و کارگران قراردادی را در شرایطی اخراج میکنند که بیمه بیکاری به آنها تعلق نگیرد.

جمهوری اسلامی ایران وقیحانه در آستانه سال نو ، نان کارگران را گرو گرفته و یکبار دیگر تعرضی بیشرمانه به کارگران را سازمان داده است. نه فقط در شاهو و در کارخانه های کردستان، بلکه در سراسر ایران، اخراج و تعرض به حقوق اندک کارگران اوج تازه ای یافته است. در مقابل حکومت و کارفرمایان بخوبی میدانند که کارگران در موقعیت تعرضی قرار داشته و میتوانند حکومت را با مجموعه حرکات اعتراضی خود و با اتکا به پشتیبانی هم طبقه ای هایشان در دنیا به زانو در آورند.

آخرین نمونه همان حرکت اعتراضی کارگران نساجی است که رژیم و کارفرمایان راجبور به عقب نشینی کرد. کارگران شاهو باید از تجربه دوستان خود در نساجی بهره بگیرند. کارگران و مردم باید علیه این سیاست دست به اعتراض زده و با پشتکار و جدیت حکومت را به عقب نشینی وادارکنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از خواستههای برحق کارگران شاهو حمایت میکند و خواهان دفاع و پشتیبانی همه کارگران و مردم از این اعتصاب و از خواستههای کارگران است.
* * * * *

او تعلق می گیرد. اما این کارگران مدت قرارداد کارشان تمام شده و اخراج شده اند .بنابر قانون فوق بیمه بیکاری به آنها تعلق نمی گیرد. کارگران این را حق کشی دانسته و مطالبه خود را دنبال میکنند. کارگران کماکان درگیر هستند و شکایت به مراجع دیگر قدم بعدی آنها است که قرار است آن

را پیگیری کنند
بیمه بیکاری حق همه کارگران بیکاری است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از خواستههای برحق این کارگران دفاع کرده و همگان را به دفاع از این کارگران فرامیخواند .
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۶ کارگر اخراجی
نساجی

که مصمم بودن کارگران را دیدند، سالی ۳ ماه حقوق با تمام مزایا به نسبت سنوات کار را، بعنوان تصمیم خود اعلام کرد .

يك مشکل اساسی این ۶ کارگر اخراجی مسئله قرارداد

ادامه طرح رفتارند اقدامی در مقابل ...

تحکیم وحدت، و.... اینها نقش و جایگاهشان در دفاع از رژیم اسلامی و حتی ولایت فقیه کاملاً آشکار است. شعار تغییر قانون اساسی برای اینها همان معنی دوم خرداد را میدهد که میخواستند خاتمی بیاید و به مرور دست ولایت فقیه را در انحصار طلبی کوتاهتر کند. امروز قرار است تغییر قانون اساسی همان کار را بکند. وجود و لزوم یک حکومت اسلامی برای اینها ذاتی شده است. به همین دلیل هم نمیخواهند بگویند که آنها یک دولت جدا از مذهب میخواهند.

البسته روزی که صدای الرحمن جمهوری اسلامی در آید اینرا هم خواهند گفت. فعلاً نمیخواهند خاکریزها را زیادی به عقب بکشند.

صف دنباله رو اینها طیف سلطنت طلب است که در حقیقت صفی بی رهبر و در هم ریخته و بی سازمان است و همچنانکه تا کنون بارها نشان داده علیرغم مقبولیت آنها از طرف دولتهای غربی، صفی سردرگم و نان به نرخ روز خور است. این صف وجود رژیم اسلامی را به انقلاب و رادیکالیسم ترجیح میدهد. هم دفاع قبلیش از دوم خرداد و هم شریک شدن امروزش در طرح رفتارند، هر دو از سر منافع طبقاتی و ایدئولوژیک است. اینها ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی را نمایندگی میکنند و آرزوی اعاده سلطنت را دارند. اما میدانند که اعاده سلطنت کار عبثی است. به همین دلیل هر آخوند یا نیمچه

آخوندی راحت میتواند افسار اینها را در دست بگیرد. صف رفتارندوم چپها همان صفی است که یک دوره ای همگی پشت سر خاتمی جمع شدند و بعد از شکست دوم خرداد دوباره پراکنده گردیدند. اکنون تا آنجایی که به اهداف درونی این صف مربوط است اهداف متفاوتی را دنبال میکنند. اما با این وجود این جبهه دوباره در کنار همدیگر قرار گرفته است. دوم خردادیهای رانده شده به اپوزیسیون یک قدم از رژیم فاصله گرفته اند تا به جبهه شکست خورده اصلاحات درون حکومت اینبار در خارج حکومت سرو سامانی بدهند. سلطنت طلبان و جریانات راست پروغرب نا امید از رژیم چنچ آمریکا و عراقیزه کردن ایران یک بار دیگر به صف نیروهای دوم خرداد دخیل بسته اند که به نان و نوایی در حکومت برسند. اما این فقط اهداف درون گروهی اینها است. عامل اصلی و مهمی که اینها را دوباره کنار همدیگر قرار داده است و صف روشنفکران کلاه مخملی را پشت سر اینها دوباره به خط کرده است، تنها یک عامل است، ترس از انقلاب و رادیکالیسم در ایران.

قوی شدن چپ و تعمیق رادیکالیسم در ایران نیروهای نامتجانس سیاسی را حول یک پرچم گرد آورده است. علیرغم هر اختلاف سیاسی و خون دلی که به نسبت همدیگر دارند، تشخیص داده اند در یک جبهه علیه انقلاب و رادیکالیسم بایستند.

هر دوی اینها رژیم اسلامی را به انقلاب و تغییر انقلابی

ترجیح میدهند. هر دوی اینها رژیم اسلامی اصلاح شده را در مقابل انقلاب و تغییر انقلابی قرار میدهند. به همین دلیل هم هست که انقلاب برای اینها خشونت است اما وجود رژیم اسلامی عین مسالمت. بیانیه جهانی حقوق بشر برای اینها فقط یک تکیه گاه است که بتوانند از این طریق اسلام و مذهب را در حکومت نگهدارند و در عین حال چهره عامه پسند غربی به خود بگیرند. اسلام و حکومت اسلامی برای اینها بدیهی و فرض است. حتی حکومت نوع کرزای که افسارش در دست آمریکا و آخوند باشد برای اینها قابل اتکاتر است. علاوه بر این اینها به هر طریقی شده تلاش میکنند که دم و دستگاه ارتش، سپاه، وزارت اطلاعات، و کل نیروهای انتظامی و سرویگر دست نخورده بمانند. اینها میدانند با قدرت گیری چپ کل این دم و دستگاه برچیده خواهد شد. برای سرویهای بعدی، برای حفظ قدرت سرمایه، برای استثمار و تحمیل شرایط مورد نظرشان به جامعه، برای سرکوب چپ و کمونیسیم این نیروهای سرکوب را احتیاج دارند. همچنانکه خمینی احتیاج داشت. قدم بعدی اینها تلاش برای جلب پشتیبانی غرب خواهد بود. اینبار برخلاف دوران دوم خرداد اتکایشان به آمریکا است. اتکایشان به بوش است. میخواهند هر طوری شده انقلابی رخ ندهد. ترس از انقلاب و چپ در این صف کاملاً دیدنی است. حتی بخشی از روشنفکران که هنوز از دور نظاره گر میباشند و به صف اینها نپیوسته اند، منتظر شانس پیروز شدن آنها هستند. اگر اینها شانس پیروزشان را

توانند به صف خودشان نشان دهند، طیفهای دیگری به صف آنها ملحق خواهد شد تمام نیروهای قومپرست از آریایی گرفته تا کرد، از بلوچ گرفته تا عرب و آذری و تمام ناسیونالیستهای رنگارنگی که شاید تا کنون اسمش را هم نشنیده باشید به این صف وفاداری را اعلام میکنند. اگر چشم انداز پیروزی اینها یک درجه به واقعیت نزدیک شود، حتی چپی به جز حزب کمونیست کارگری ایران در خارج این صف نخواهد ماند. اینها با قاطعیت میگویند تمام کسانی که یک دوره به دنبال بنی صدر و شورای ملی مقاومت رفتند، تمام کسانی که به دنبال دوم خرداد با هر درجه دوری و نزدیکی روان شدند، تمام کسانی که در صف چپ سنتی هنوز مشغول نق زدن هستند، مثل دوران خمینی اینبار به دنبال رفتارندوم مسالمت آمیز جاری خواهند شد. تمام کسانی که انقلاب برایشان خشونت و راههای غیر از انقلاب متمنانه و مسالمت آمیز بنظر میرسد. تمام کسانی که به فکر حفظ سوپرمارکتها هستند و انقلابشان خصلت دمکراتیک دارد، تمام کسانی که خود را چپ میدانند اما از سوسیالیسم فراری هستند به دنبال این صف خواهند رفت.

اما سوال این است که اینها چقدر شانس پیروز شدن دارند. چند فاکتور اجتماعی و معیار و پایه شناخت ما در روندهای سیاسی باشند. این فاکتورها کل سیمای سیاسی جامعه ایران را تا کنون تغییر داده اند. ما با اتکا به این شناخت، و این فاکتورها قبلاً اعلام کردیم که رسیدن مجاهدین به حکومت،

رویههای ممنوعه ای بیش نیست. ما با اتکا به همین فاکتورها در اوج برو بیای دوم خرداد اعلام کردیم که اینها شکست میخورند و آینده ای ندارند. ما با اتکا به همین شناخت و فاکتورها اعلام کردیم که این بار شانس کمونیسیم در ایران قوی است. و با اتکا به همین فاکتورها و شناخت درست از آنها تا کنون توانسته ایم نیرو جمع کنیم. توانسته ایم قویترین حزب متشکل و رادیکال چپ ایران باشیم. و با اتکا به همین فاکتورها و شناختی که از آن داریم اینبار هم اعلام میکنیم که این صف مقابل انقلاب، شانس چندانی ندارد. این صف را نیز خنثی خواهیم کرد، و جامعه را از این تند بیچ عبور خواهیم داد. بعد از مدت کوتاهی همگی شاهد ارزیابیهای رهبران این صف از رفتارندوم و سرنوشت آن خواهیم بود که شبیه سرنوشت دوم خرداد، دلایل شکستش را به جامعه و به صف خودشان اعلام میکنند.

ما این نتیجه را از همین حالا اعلام میکنیم زیرا میدانیم که حرکت خلاف تاریخ واقعی با هر نیرو و توانی که باشد عاقبتی جز شکست در انتظارش نیست.

صف رفتارندوم چپها به چند دلیل پایه ای و اجتماعی شانس برای پیروزی ندارند. این دلایل کدامند: اولین و مهمترین عامل و فاکتور وجود یک حزب قوی و بانفوذ چپ است که ما در تاریخ ایران کمتر شاهد آن بوده ایم. حزبی با استحکام و مارکسیست و محبوب و بانفوذ در ایران، که از هم اکنون در تغییر و تحولات اجتماعی نقش جدی بازی میکند.

شاید این فاکتور برای مخالفین ما غلو آمیز به نظر برسد اما این يك حقیقت و داده تاریخی است. يك واقعیت سرسخت سیاسی است که تا کنون نقش و جایگاهش را نشان داده است. این حزب پیشتاز رشد فرهنگ سیاسی و رادیکالیسم ایران بوده است. این حزب اکنون هژمونی سیاسی در فضای ایران انکار ناپذیر است. توان تاثیرگذاری و هدایت جامعه از مراحل مختلف را تا کنون از خود نشان داده است. از همان اوائل چپ ایران را تغییر داد، و در چند سال اخیر صف راست جامعه را چندین بار دچار تشتت و بی ثباتی کرده است. این حزب با اتکا به روندهای اجتماعی بالنده توانست کل آرزو و امیال میلیونها انسان در بند را

نماینده کند. و به همین دلیل هم از توان و امکان تاثیرگذاری بالایی برخوردار شده است. اگر چند سال قبل این فقط يك فاکتور تشکیلاتی بود، اکنون این حزب به يك فاکتور اجتماعی تبدیل شده است. علاوه بر این سیر اعتراضات مردم و طبقه کارگر ایران به جایی رسیده است که توازن قوا، بطور مداوم به نفع مردم میچرخد. جوانان و زنان در ایران در متن مبارزه ای حرکت میکنند که امید به آینده و پیروزی را در چشم انداز جامعه قرار داده است. اگر این فاکتورها نبود، حزب ما هم چندان جایگاهی پیدا نمیکرد. اما رادیکالیسم و توقع بالای میلیونها مردم ایران چنان جامعه را دستخوش تغییر کرده است که تحمیل روند عقبگرد به آن کار مشکلی شده است.

مردم ایران وارد فاز تازه ای از مبارزه شده اند که هیچ نیروی ضد انقلابی نمیتواند انقلاب آنها برای تغییر زندگیشان را متوقف کند. امید به پیروزی، و تلاش برای رسیدن به آزادی، کوشش برای رفاه و زندگی بهتر در میان بخش قابل توجهی از مردم به خود آگاهی تبدیل شده است. مبارزات چند ماه اخیر و نقش و جایگاه کمونیسم کارگری در آن امید به پیروزی را و اعتماد به چپ را بیش از هر زمانی در جامعه تقویت کرده است. طبقه کارگر و نسل جوان فعلی هیچ نزدیکی و احساس مشترکی با اسلام، با سلطنت، با عقب ماندگی و سنت شرقی و با زن ستیزی و سنتگرایی ندارد. این نسل دنیایش، آرزو و امیالش، فرهنگ و روابط

اجتماعی هیچ وجه مشترکی با نیروهای ملی مذهبی، و طرفداران تاج و تخت ندارد. این نسل زندگی و آزادی را حق خود میدانند. رفاه و انسانیت برایش غریبه و سنت غیر خودی نیست. این نسل دستاوردهای بشر مدرن امروزی را از آن خود کرده است. اینها فاکتورهای است که امکان پیروزی برای رفاندوم چپها را به يك خواب و خیال تبدیل میکند. فاکتور مردم فاکتور رادیکالیسم، فاکتور توقع بالا از زندگی، فاکتور مدرنیسم، همگی در جهتی خلاف نیروهای رفاندومچی در جریان است. رفاندوم چپها اگر با پلاتفرم تغییر جدی و سرنوشتی رژیم به میدان می آمدند، با توجه به فاکتور حمایت دولتهای غربی شانس داشتند. اما با شعار تغییر قانون اساسی و رفاندوم

پا جا پای پزشکپورها، سنجابیها، و بنی احمدها گذاشته اند. اینها آدمکهای دوران گذار هستند. سازمان دادن حرکت انقلابی و به پیروزی رساندن انقلاب اجتماعی کار ما است. جامعه ایران زودتر از آنچه که تصور میشود از این مرحله عبور میکند. ما باید منتظر سدها و خاکریزهای دیگر باشیم بعد از دوم خرداد فاکتور شیرین عبادی را فرعی کردیم، اکنون فاکتور مهرانگیز کار و سازگارا و مدافعین تاج و تخت کار آسانتری به نظر میرسد. مردم ایران برای رسیدن به يك زندگی بهتر راهی جز به جلو رفتن ندارند. حزب ما پرچم دار این راه و این صف است.

یکم بهمن ماه ۱۳۸۳

توطئه های جدید ...

نقش دارد و کارگران اخبار اعتصاب را برای حزب میفرستند. کارگران پاسخ این تهدیدات را در حین اعتصاب دادند. اما با اقدامات بعیدشان معلوم شد که حتی مسئولین رژیم هم مورد سوء ظن قرار گرفته و بخاطر جلوگیری از درز اخبار و گزارشات تعدادی از آنها را خلع مسئولیت کرده اند. مقامات رژیم در شرایطی قرار گرفته اند که حتی جلسات محرمانه آنها نیز فوراً علنی و دستشان رو میشود. این اتفاقات همراه با گسترش مبارزات مردم و مشخصا اعتراضات کارگران و دانشجویان و نقش محوری حزب کمونیست کارگری مقامات دولت اسلامی را سراسیمه کرده است. بر اساس اخباری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است رژیم برای جلوگیری از این روند تا کنون

اقدامات زیر را انجام داده و یا در صد انجام آن است:

- * حدود يك ماه پیش رئیس دانشگاه کردستان در تصادف ماشین کشته می شود و شایع است که دولت در مرگ او دست داشته است.
- * دو هفته قبل ادیبی رئیس دانشگاه آزاد را برکنار کردند.
- * بعد از اعتصاب کارگران نساجی، ایرج بهرامی نژاد یکی از مسئولین خانه کارگر سندج از این سمت کنار گذاشته شد.
- * دیروز یکشنبه ۲۷ دی ماه صراحتی مدیر کارخانه نساجی را برکنار کردند و عسکری مسئول حراست بنیاد را به جای او گذاشتند.
- * شایع است که ضامنی رئیس اداره حراست، صادقی زاده رئیس اداره کار، و تعداد دیگری از دست اندرکاران رژیم در سندج را هم در نظر دارند از مقام خود برکنار و از تهران افرادی را جایگزین آنها کنند.
- * دیروز ۲۷ دیماه مدیریت

کارخانه نساجی کردستان ۲۵ کارگر بسیجی را جمع کرد و با پرداخت مبلغ صدهزار تومان به هرکدام از آنها، از آنها خواست هنگام اعتصاب ماشینها را روشن کنند. آنها از يك طرف میخواهند مسئولین منفور خود را برای مقابله با اعتراضات مردم جایا کنند و از طرف دیگر با توطئه و دیسه چینی در صف متحد کارگران شکاف بیندازند. کارگران، مردم آزادیخواه سندج، مردم کردستان! این تقلاها بعد کافی استیصال رژیم اسلامی را بر ملا میکند. سردرگمی مقامات اسلامی و کارفرمایان، از ضعف و زبونی آنها در مقابل اعتراضات شما و نقش رو به رشد حزب کمونیست کارگری است. این اعتراضات را باید گسترش داد و رابطه با حزب کمونیست کارگری را باید هرچه بیشتر تحکیم کرد. مقامات رژیم از نقش حزب کمونیست کارگری و

اهمیت آن برای پیروزی مبارزات مردم بخوبی واقفند. یکی از مقامات جمهوری اسلامی در تهران گفته بود که احزاب پشت اعتصاب بودند و مجبور بودیم به کارگران امتیاز بدهیم و یکی از مسئولین حراست در تهران به رئیس بنیاد مستضعفان که مخالف کوتاه آمدن در مقابل خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در نساجی کردستان بود، گفته بود بخاطر چندصد میلیون تومان که نمیتوان مملکت را به آشوب کشید. اعتصاب موفق کارگران نساجی کردستان این درس بزرگ را به همه کارگران و مردم آزادیخواه داد که با اتحاد و پافشاری و با همراهی با حزب میتوان هر نقشه ای را خنثی کرد. همینجا به کارگران بسیجی در کارخانه نساجی هشدار میدهم که ارتباطشان را با حکومت و مدیریت قطع کنند و به صفوف کارگران پیوندند. همکاری با مدیریت و

دولت برای شکستن اعتصاب کارگران بجز ذلت و خواری برای آنها چیزی نخواهد داشت. تفرقه در صفوف کارگران، خود این بسیجی ها را نیز بعنوان بخشی از کارگران به محرومیت و فقر و بیحقوقی بیشتر خواهد کشاند. جمهوری اسلامی را ساقط میکنیم و کارگران بسیجی بهتر است سرنوشت خود را با این رژیم منفور و ضدکارگر گره نزنند. با اتحاد خود و با گسترش اعتصابات و اعتراضات خود استیصال را در صفوف رژیم هرچه بیشتر دامن بزنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ دیماه ۱۳۸۳،
۱۷ ژانویه ۲۰۰۵
تلفن تماس با دبیر کمیته
کردستان حزب کمونیست
کارگری:
۰۰۴۹-۱۶۳۳۴۸۵۰۰۷